

هر کسی از خودش یک قهرمان ساخته را دوست دارم تا دعوا کردن.

در مورد بازی گفتی. ورزشکارانی هستند که به MMA رفتند و دیدند ته آن شرط‌بندی است و باید مسابقه را ببازند چون از قبل نتیجه تعیین شده بود. در بوکس چنین چیزی نیست؟

صد درصد هست. باید ببینی دنبال چه چیزی هستی؟ من در بوکس زیاد دیدم که ۴۰ دلار بگیري و ببازی.

اگر به تو بگویند، این کار را می‌کنی؟
محال است، چون من کل زندگی‌ام را هزینه کردم که ببرم. پول خرج می‌کنم که با آمادگی بدنی برنده مسابقه باشم.

یک بلایی سرت می‌آورد که ببازی...
مسابقه‌ای در روسیه داشتم که برنده شدم، اما مرا بازنده اعلام کردند. از اول تا آخره راند را ببینید. حتی اگر حرفه‌ای نباشید هم می‌گویید که تینا برده اما چون داور اهل روسیه بود و حریف یکی از بوکسورهای مشهور روس، من بازنده شدم.

تا کجا؟
تا زمانی که قهرمانم را بسازم. تا زمانی که کاری کنم که داور هم نتواند حقم را بخورد.

نکته پایانی؟ مثلاً چیزی که بخواهی در این مصاحبه بگویی.

بعضی جاها زن را جوری می‌بینند که باید در خانه بماند و غذا درست کند. چرا از بچگی با این رسم و رسوم بزرگ شده‌اند. مادر و خواهرشان را دیده‌اند که این کارها را می‌کنند. اما وقتی زن را شاغل و شکل دیگری می‌بینند، تازه می‌فهمند که به زن هم باید احترام بگذارند.

من خودم را ۳۴ ساله نمی‌بینم. برخلاف نظر خیلی‌ها، بوکس اصلاً ورزش بدنی نیست. بیش از ۵۰ درصدش ذهنی است و شاید ۴۰ درصد آن به بدن و استقامت ربط دارد. در واقع یک جورهایی مثل شطرنج است. به همین دلیل از بوکس خوشم آمده که به من قدرت استراتژی می‌دهد.

در ایران بوکس زنان نداریم. چقدر برای ورود به این رشته مشکلات داشتی؟
کسی مرا اذیت نکرده. من دوست دارم بوکس زنان را راه‌اندازی کنم. یعنی تا الان کسی جلویم را نگرفته.

تا حالا حسرت نرفتن به المپیک را نخوردی؟
نه، چون من بوکس را حرفه‌ای شروع کردم.

یعنی حرفه‌ای را بالاتر از المپیک می‌بینی؟

برای من اینجوری است، یعنی کمربند قهرمانی که برایش تمرین می‌کنم، از طلای المپیک ارزشمندتر است. اما المپیک هم برایم ارزش دارد، شاید اگر تجربه رقابت در المپیک را داشتم، تجربه‌ام مثل حریف قبلی‌ام بیشتر بود. اما اینکه بگویم ای کاش به المپیک می‌رفتم را هرگز نگفتم.

مسابقه‌ات با قهرمان المپیک خیلی نزدیک بود. چه زمان می‌توانی کمربند قهرمانی را از او بگیری؟
من الان کاملاً آماده‌ام. فقط باید تجربه بیشتری کسب کنم.

این روزها، تعداد زیادی از ورزشکاران رزمی، سراغ MMA می‌روند چون پول بیشتری به دست می‌آورند.

بدم نمی‌آید به MMA بروم اما هدفم نیست. من MMA را دوست ندارم، چون سلاح بیشتری داری و این مسابقات شبیه دعوی خیابانی است. اما بوکس یک مسابقه است و فایده نیست. یک بازی است. من از این بازی فکری خوشم آمده و از لحاظ بدنی، خودم را به سطح تاپ دنیا می‌رسانم. اما این مسابقه‌ای که بین دو آدم در دو جهان مختلف که

چرا نباید بزنی؟

من حرف نمی‌زنم؛ چون این تجربه را نداشته‌ام. در بوکس اصلاً لابی نداشتم، خانه و ماشینم را فروختم و با رفتم یک کشور دیگر تمرین کردم و با چیزی که خودم داشتم دنبال هدفم رفتم. از آدم‌های ارتباط‌دار و لابی هم هیچ‌گاه استفاده نکردم. در سینما هم همین‌طور.

نمی‌گویم خودت لابی داشتی اما این مسائل را حتماً در بوکس یا سینما دیدی؟
بله هم در بوکس هست و هم سینما.

کدام بیشتر است؟
هم سینما و هم بوکس. مگر می‌شود نباشد؟ مافیا از قدرتش استفاده می‌کند اما من تا حالا با این افراد کار نکردم که پایم را روی کسی بگذارم و بالا بروم. هرچه دارم را خودم ساختم.

می‌گویند در حوزه سینما، پیشنهاد بی‌شرمانه و... مرسوم است. با این مسائل مواجه نشدی؟

همه جا هست. مثلاً در حوزه هواپیمایی نیست؟ همه می‌گویند میهماندارها این کار و آن کار را می‌کنند. پرستارها را می‌گویند با دکترها رابطه دارند. بستگی به خودت دارد که بخواهی چه آدمی را زندگی کنی. وقتی یاد بگیری در وجودت چیز دیگری هم هست که بیشتر از جسمت ارزش دارد، تن به هر کاری نمی‌دهی. مگر اینکه خودت دوست داشته باشی.

تو به روسیه رفتی که قرارداد ببندی، بستنی؟

نه. چون قرار شد اتفاقاتی که در مسابقه قبلی رخ داد را حل کنند و برای ماه دیگر قرارداد را بفرستند. بعد از مشورت با چند وکیل، قرارداد را امضا می‌کنم. البته توافق نهایی شده و مانده امضای پای برگه.

به نظرت سن تو اجازه می‌دهد که نفر اول جهان شوی و کمربند قهرمانی بگیری؟

صد درصد؛ به شرطی که همین‌طور که الان انگیزه دارم، کارم را ادامه بدهم.



وقتی خودم را با زندگی قبلی‌ام مقایسه می‌کنم، می‌بینم خیلی قوی‌تر هستم. ورزش به آدم عزت نفس می‌دهد. سینما به من «اعتماد به نفس» داد و آنجا دیده شدم و شهرت و پول پیدا کردم و به زندگی لاکچری که آرزویم را داشتم رسیدم

بخش مهمی از سینما که به آن جذاییت می‌دهد، تصویر است و...

چهره در سینما لازم است ولی کافی نیست. برای بازیگری، من چهره داشتم ولی اگر این به تنهایی کافی بود، به همان کفایت می‌کردم. قیافه برای من کافی نبود.

کمی عقب‌تر برویم. شنیدم در دانشگاه حسابداری خواندی. چه ارتباطی بین هنر، بوکس و حسابداری هست؟

رفتم دانشگاه چون خانواده‌ام دوست داشتند به دانشگاه بروم.

دوست داشتند حسابداری بخوانی یا اینکه درس بخوانی؟
دوست داشتند درس بخوانم.

حسابداری علاقه خودت هم بود؟
نه... هرگز از حسابداری چیزی نگرفتم. من باید از کاری که می‌کنم لذت ببرم وگرنه آن را شروع نمی‌کنم.

در اینترننت خواندم که تینا آخوندتبار بچه پولدار است. احساس کردیم رفتی دانشگاه تا حسابداری یاد بگیری و در آینده مسائل مالی خانواده را رتق و فتق کنی (باخنده)!

نه... خانواده من در اسلامشهر زندگی می‌کنند.

پس چرا در موردت این‌طور نوشته بودند؟

خودم هم خواندم اما دلیلش را نمی‌دانم.

اصالتاً کجایی هستی؟

پدر من شمالی است. اما چون در اسلامشهر فرش فروشی داشت، از بچگی آنجا زندگی کردیم و حالا هم که بازنشسته شده، آنجا مانده است. ما در جنوبی‌ترین نقطه تهران زندگی می‌کنیم، اما خانواده ضعیفی هم نیستیم.

خیلی از خانم‌ها برای دفاع شخصی و جلوگیری از مزاحمت‌های خیابانی سراغ رشته‌های رزمی می‌روند. ذهنیت‌مان نسبت به تو هم همین بود. گفتیم چون وضع مالی خوبی داری و به شهرت هم رسیدی، شاید در دسرهای زیادی داری. تا حالا با مزاحمت در خیابان مواجه شدی که از بوکس کمک بگیری؟

نه... هیچ‌وقت کسی مزاحم من نشده و هرگز تا حالا از بوکس حرفه‌ای بیرون از فضای ورزش استفاده نکردم.

شما در دو حوزه ورزش و سینما کار کردی. در این دو بخش دلایلی، لابی و مافیای بازی زیاد است. زد و بند در ورزش بیشتر است یا هنر؟
من اصلاً نمی‌دانم که بخواهم راجع به این نظر بدهم!

تا حالا چنین مسائلی را ندیدی؟
دیدم باشم هم چرا باید در موردش حرف بزنم؟

رینگ زندگی

وقتی می‌گویند خانواده‌اش پولدار است، این‌طور تلقی می‌شود که با پول خانواده‌ات در سینما و ورزش فعالیت داشتی.

من به هرچه می‌خواستم، رسیدم. آدم‌ها در سختی‌ها بیشتر فکر می‌کنند. شاید اگر در راه باشند، کمتر فکر کنند. سختی باعث پختگی آدم می‌شود. آدم‌هایی که در سختی هستند، معمولاً تجربه بیشتری دارند و حتی تجربه شکست بیشتری به دست آورده‌اند. وقتی زمین می‌خورند، خودشان باید بلند شوند. وقتی پشتکار نداشته باشی یا عاشق نباشی راحت نمی‌توانی خودت را بسازی. من پولدار نیستم و خانواده‌ای متوسط از نظر مالی دارم ولی همیشه زندگی خوبی داشتم.

چقدر در وضعیت مالی خانواده نقش داشتی؟

من پول ۱۰ سال کار در سینما را خرج کردم و تمام شد. برایم مهم نیست که چه پول زیادی از دست دادم. من با شروع بوکس، هیچ امکاناتی نداشتم. با استاد اولم، در پارک تمرین می‌کردم اما مجبور شدم باشگاهی برای تمرین مهیا کنم که هزینه داشت.

